



کاربرد تلفیقی متن ادبی و سینمای اقتباسی در بستر آموزشی فرهنگ‌محور زبان

فاطمه عسگری*

(نویسنده مسئول)

استادیار زبان و ادبیات ایتالیایی، دانشکده زبان‌ها، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: fateasgari@ut.ac.ir



چکیده

در این مقاله به نقاط تماس و ارتباطی که بین ادبیات و سینمای اقتباسی از باب آموزش زبان خارجی وجود دارد پرداخته می‌شود. فرض ما در این مقاله این است که این دو پیکره فرهنگی بومی چنانچه که در برنامه تدریس در سطوح میانی و پیشرفته گنجانده شوند، در جهت آموزش زبان خارجی با محوریت توانش بینا فرهنگی کمک شایانی خواهند داشت. لذا ابتدا به ویژگی‌های خاص ماهیتی متن ادبی و متن سینمایی یا همان فیلم پرداخته می‌شود. در این راستا دلایل آموزشی که در کنار منابع درسی معتبر، به استفاده از این نوع منابع بومی در کلاس زبان اعتبار می‌بخشد مورد بررسی قرار می‌گیرند. در ادامه به ابعاد و وجوه متودولوژیک در استفاده از این نوع منابع آموزشی با ارائه سه الگوی تدریس متفاوت اشاره خواهد شد، به گونه‌ای که بتوان با بهره بردن از ویژگی‌های ماهیتی و ساختاری یک اثر ادبی و فیلم اقتباسی پیشنهادهای مؤثر و راهکارهایی عملی برای استفاده از این نوع منابع آموزشی در کلاس زبان ارائه داد جهت توسعه دانش فرهنگی از جامعه هدف و کمک به زیرساخت‌های توانش بینا فرهنگی در زبان‌آموزان.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

آموزش زبان، توانش بینا فرهنگی، پیکره زبانی بومی، اثر ادبی، سینمای اقتباسی.

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2022.338521.932

عسگری، فاطمه. (۱۴۰۱). کاربرد تلفیقی متن ادبی و سینمای اقتباسی در بستر آموزشی فرهنگ‌محور زبان. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۲ (۲)، ۱۸۰-۱۷۱.

Asgari, F. (2022). Combined application of literary text and adapted cinema in the intercultural competence-based language teaching program. Foreign Language Research Journal, 12 (2), 154-170.

*زمینه تحقیقات: مطالعات در مورد آموزش زبان، ادبیات و فرهنگ ایتالیایی. ایتالیایی به عنوان زبان دوم و زبان خارجی. مطالعات ادبیات کلاسیک (غزل عاشقانه در ۱۴۰۰ میلادی) و مدرن ایتالیایی (نهضت رئالیسم در ایتالیا). ادبیات تطبیقی. مطالعات نقدی بوم گرایانه.



L'utilizzo di testo letterario e cinema didattamento nella didattica della competenza interculturale delle lingue



Fatemeh Asgari*

(corresponding author)

Assistant Professor in Italian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: fateasgari@ut.ac.ir

ABSTRACT

In questo articolo cerchiamo di trovare alcuni punti di contatto tra la letteratura e il cinema d'autore, due materiali autentici proposti ad essere utilizzati nella didattica delle lingue. La nostra ipotesi in questo articolo è che questi due corpus culturali autoctoni, se inseriti in un mirato e strutturato programma didattico, saranno uno strumento utile per l'insegnamento di una lingua straniera focalizzato sulla competenza interculturale. Pertanto, in un primo momento, vengono discusse alcune particolarità della natura di un testo letterario e del testo cinematografico o del film. A questo proposito, analizziamo le ragioni educative e formative che, insieme a valide risorse didattiche, convalidano l'utilizzo di questo tipo di risorse native nella classe di lingua. Saranno poi evidenziati gli aspetti metodologici nell'utilizzo di questo tipo di risorse didattiche presentando tre diversi modelli didattici, in modo che utilizzando la natura e le caratteristiche strutturali di un'opera letteraria e della sua relativa versione cinematografica, possano essere forniti suggerimenti efficaci e soluzioni pratiche. Vedremo che l'uso di questo tipo di risorse educative nelle classi di apprendimento delle lingue, in questo caso l'italiano L2, sarebbe interessante e utile per sviluppare la conoscenza culturale della comunità target e contribuire ad acquisire una più forte competenza interculturale negli studenti di lingue.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: January 21 2022

Accepted: May 11 2022

Available online: Summer 2022

Keywords:

didattica delle lingue, competenza interculturale, corpus linguistico, testo letterario, cinema di adattamento.

DOI: 10.22059/JFLR.2022.338521.932

Asgari, F. (2022). Combined application of literary text and adapted cinema in the intercultural competence-based language teaching program. Foreign Language Research Journal, 12 (2), 154-170.

* Researches in Italian language and literature teaching. Comparative and critical studies such as classic lyrics in 15th century and Italian Realism in 20th century and Ecocriticism.

۱- مقدمه:

و سینما در برنامه آموزشی زبان نوعی طرح زبان‌شناختی- فرهنگی خواهد بود که در توسعه توانایی ذهنی و توانش بینا فرهنگی زبان‌آموزان مؤثر به نظر می‌رسد، و «البته نیازمند آن است که مدرس زبان از شناخت و مهارت‌های حرفه‌ای و توانایی‌های روش‌شناسانه در برنامه‌ریزی در این مسیر آموزشی و در انتخاب مواد آموزشی مناسب برخوردار باشد» (بالونی، Balboni، ۲۰۰۶).

۲- پیشینه تحقیق

پایلر (Piller) برای فرهنگ در آموزش زبان خارجی از روش‌های متفاوت زیست‌ملت‌های مختلف نام برده است (دهمرد، ۲۰۱۴). در مورد جایگاه وجه فرهنگی-اجتماعی زبان رضمانی واسکولانی و رستم بیک تفرشی بر این عقیده‌اند که اینکه چه چیزی، کجا، به چه کسی و چگونه گفته شود - که در واقع همان توانش ارتباطی زبان است - بسیار فراتر از یادگیری صورتهای زبانی یا آگاهی از چند موقعیت اجتماعی محدود است (۱۳۹۱، ۳۲). طبق مطالعات این محققین کلاس‌های آموزش زبان چند راهکار پیشنهاد می‌دهند که عبارتند از استفاده از منابع آموزشی معتبر و بومی (authentic material) که به فرهنگ جامعه هدف مربوط می‌شوند مانند آثار ادبی، فیلم، گزارش وضع هوا، برنامه‌های تلویزیونی، مجلات و روزنامه‌ها، منوی رستوران‌ها و غیره؛ ارائه ضرب‌المثل‌های زبان هدف، و یا استفاده از کپسول‌های فرهنگی و اجرای نمایش (role play) در کلاس درس. عامری و قدرتی در پژوهشی به مسئله جایگاه محصولات سینمایی در تقویت مهارت‌های زبان انگلیسی خارج از کلاس درس پرداخته‌اند و در نتیجه دریافته‌اند که دانشجویان ایرانی به تماشای فیلم به زبان اصلی و با کمک زیرنویس تمایل زیادی دارند و ظاهراً استفاده از زیرنویس در یادگیری تصادفی دارای اهمیت است. این محققین با بررسی کیفی و کمی داده‌های جمع‌آوری شده بر این عقیده هستند که تماشای فیلم به زبان اصلی در خارج از کلاس درس در نتیجه به یک یادگیری ناخودآگاه، موقعیت‌مند، جبرگریز و مفرح منتهی می‌شود (عامری، قدرتی، ۱۳۹۸).

فرهنگ و اهمیت آن در آموزش زبان خارجی و زبان دوم که خود یک حوزه تحقیقاتی وسیعی است، در سال‌های اخیر محققین زیادی را در ادامه مسیر مطالعات بایرام (Byram) و کرامش (Kramersch) به خود مشغول داشته است. همچنین در مورد چگونگی آموزش فرهنگ در زبان خارجی نیز مطالعات ارزشمندی صورت گرفته است. در این مقاله در باب اهمیت و چگونگی استفاده از پیکره بومی متون ادبی و سینمای اقتباسی در آموزش زبان خارجی در راستای آموزشی حتی‌المقدور فرهنگ‌محور تحلیل و پژوهشی صورت خواهد گرفت. زبان خارجی که در این پژوهش بدان اشاره می‌شود زبان ایتالیایی است البته بر اهل فن هویدا است که در بحث آموزش زبان و توانش‌های گوناگون مربوط به آن، نوع زبان مدنظر تفاوت چندانی در ساختار تئوریک و عملی تحلیل‌ها ایجاد نمی‌کند. علت اینکه این دو پیکره در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند این است که هر دو این دو پیکره بومی زبان‌آموز را با تحولات فرهنگی و اجتماعی، تاریخی و زبان‌شناسی جامعه هدف (در این تحقیق کشور و مردم ایتالیا) آشنا می‌سازند و نشان‌دهنده فرایندهای تاریخی و فرهنگی‌ای هستند که در ایجاد تغییرات اساسی و مهم در بافت اجتماعی کشوری که زبان آن مورد یادگیری است دخالت داشته‌اند. از طرفی دیگر، امروزه طبیعتاً بیش از پیش شاهد ادغام ادبیات و سینما هستیم و تعداد کثیری از متون ادبی در تمام جهان منبع ساخت فیلم‌های سینمای اقتباسی قرار گرفته‌اند. «همچنین آثار ادبی همیشه در تاریخ معاصر شانس این را داشته‌اند که از طریق سایر اشکال هنری مانند سمعی و بصری دوباره‌سازی گردند (فیلم‌ها، بازی‌های ویدئویی، تئاتر، سینمای خانوادگی...) و همین استفاده از تکنولوژی‌های سمعی و بصری دلیلی شد که متون ادبی قابلیت دسترسی بیشتر و سریع‌تری در میان مخاطبین در جامعه داشته باشند» (چینکوئه گرانی، Cinquegrani، ۲۰۰۹). در این راستا بنابراین بهره بردن از دو پیکره ادبیات

۱۴۳-۱۴۵). در نظر توزی از آنجائی که مدرس می‌بایست در ایجاد توانایی‌های مختلف زبانی به زبان‌آموز یاری رساند، مهم است که وی بتواند فضای مناسب اندیشه و عمل را ایجاد کند تا در آن زبان‌آموز از زبان مورد یادگیری بهره‌مناسب و مداوم ببرد (توزی، Tosi، ۲۰۱۹). منظور توزی از این یاری رساندن همان نقشی است که مدرس ایفا می‌کند در راهنمایی زبان‌آموز در بررسی موضوعات محتوایی افکار خویش، الگوهای برنامه‌ریزی اطلاعات دریافتی در حوزه دامنه لغت و دستور و همچنین غور و تفکر در باب بستر فرهنگی و اجتماعی که زبان مورد مطالعه را قاب گرفته‌اند. به مانند مطالعات رمضانی واسکولائی، تابوکی نیز اذعان می‌دارد که متون ادبی و سینمایی در راستای یادگیری، خواندن و نوشتن به زبان خارجی دارای نقاط توجه چندگانه هستند و با بهره بردن از فرایندهای متنی زبان‌شناختی و منطقی می‌توانند چونان پیکره‌ای فرهنگی و نمادین مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند» (تابوکی، Tabucchi، ۲۰۱۳). حال اگر سینما و آثار ادبی هر سرزمینی را نمادی از فرهنگ ملی آن بشناسیم، کانون بر این عقیده است که یادگیری زبان از طریق متون ادبی و سینمایی باعث ایجاد علاقه و حس کنجکاوی فعالی در زبان‌آموز و میل به قیاس میان فرهنگ خویش و فرهنگ جامعه هدف که نشانگر تنوع عادات، روش‌های مختلف زیست اجتماعی و نگاه مردم آن جامعه به فرهنگ خودشان است می‌گردد (کائون و اسپالیویرو، Caon & Spaliviero، ۲۰۱۵) و از این نقطه نظر می‌توان اذعان داشت که ادبیات و سینما به طور مشترک زبان‌آموز را دعوت به تفکر در مورد شاخص‌هایی از ارزش‌های رفتاری، اخلاقی و فرهنگی می‌کنند ضمن آنکه وی را در یک بستر بومی و طبیعی قرار دارند. همچنین از دیگر فواید استفاده تلفیقی از دو پیکره متن ادبی و سینمای اقتباسی آن است که زبان‌آموز یاد می‌گیرد محصولات فرهنگی مختص زمانه خاصی را با هم در ارتباطی سازنده قرار دهد، یاد می‌گیرد که نویسنده یک اثر ادبی را به دوران تاریخی که در آن می‌زیسته ارتباط دهد و یا اینکه نویسنده اثر ادبی را با کارگردان فیلم اقتباسی از آن اثر در ارتباط قرار

دهد و یا سایر آثار و متونی را که تولید کرده است بشناسد و آنها را با آثار ادبی و سینمایی معاصر متعلق به فرهنگ خویش مقایسه کند. بدین‌سان زبان‌آموز این فرصت را می‌یابد که به فضای نگاه و بینش خویش وسعتی بینافرهنگی ببخشد. در این خصوص کائون اذعان می‌دارد که «استفاده از زبان ادبی و زبان سمعی و بصری سؤالات و پاسخ‌های مهمی را به فرایند یادگیری زبان خارجی اضافه می‌کنند، چرا که این‌چنین ابزار آموزشی باعث می‌شوند که الگوهای فرهنگی و شاخص‌ها و مفاهیم تمدن یک سرزمین بهتر معرفی شده و مسیر زبان‌آموز در درک عادات و رفتارها و ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی آن ملت را هموارتر می‌سازد» (کائون، اسپالیویرو، ۲۰۱۵).

دیادوری و میکلی (Diadori & Micheli) به این مسئله اشاره دارند که در استفاده از متون ادبی و سمعی و بصری در آموزش زبان خارجی مزایای دیگری نیز وجود دارد: اولین مزیت در امر تدریس این است که می‌توان از مفاهیم همیشگی صرف و نحو محض قدری فاصله گرفت و از تکنیک‌هایی چون خوانش تسهیل شده متن به کمک نسخه سینمایی آن اثر ادبی بهره برد و در حین چنین خوانش تلفیقی و تسهیل شده، نکات مربوط به صرف و نحو را یادآور شد. مدرس می‌تواند جهت ایجاد انگیزه و کنجکاوی بیشتر در زبان‌آموزان به نقاط تضاد و شباهت میان مؤلف اثر ادبی و کارگردان فیلم اقتباسی از آن اثر بپردازد. در چنین پردازشی، زبان‌آموز تعریف و توصیف خواهد کرد، تفسیر و اندیشه خواهد کرد و لذا از مهارت گفتگو و تعامل استفاده خواهد برد. مهارت‌های شنیداری را تقویت خواهد کرد. مدرس دو پیکره مورد نظر را کنار یکدیگر قرار خواهد داد و زبان‌آموز انتخاب‌های مؤلف و کارگردان را از لحاظ شباهت‌ها و تفاوت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. دیادوری بر این عقیده است که «در چنین مرحله‌ای شبکه‌های ارتباطی فرهنگی و زبانی که میان متن ادبی و متن فیلمی وجود دارند به خوبی واضح می‌گردند و به نوبه خویش همین شبکه ارتباط‌های فرهنگی و زبانی میان دو پیکره زبان‌آموز را مدام به تفکر و تأمل عمیق ذهنی دعوت می‌کند» (دیادوری،

میکیلی، ۲۰۱۰). افزون بر این در راستای پیشینه تحقیق به مطالعات جدیدتری نیز ورود کردیم که اشاره‌ای مختصر به آنها در این تحقیق خالی از لطف نیست: مارکو مانیانی (Marco Magnani) طی مطالعه‌ای در باب اهمیت متون ادبی در آموزش زبان خارجی ضمن اشاره به ویژگی‌های خاص این نوع پیکره‌های بومی زبانی به لزوم بهره‌بری از آنها در آموزش و یادگیری زبان اشاره دارد و اعتقاد دارد که استفاده از این نوع منابع آموزشی زبان‌آموز را به سمت مهارت‌های اکتسابی در سطوح پیشرفته زبان خارجی رهنمون می‌شود. (مانیانی، ۲۰۰۹، ۱۰۷). به تازگی مقاله‌ای از کامیلا اسپالیویرو (Camilla Spaliviero) در باب سواد ادبی زبان‌آموز و آموزش ادبیات در زبان خارجی حاکی از آن است که ادغام این دو عامل زبان و ادبیات در فرایند آموزش و یادگیری منجر به نیل به توانش تعاملی بینافرهنگی (intercultural communicative competence) می‌گردد. (اسپالیویرو، ۲۰۲۰، ۹۲-۷۹).

لوچیندا اسپرا (Lucinda Spera) با تأکید بر لزوم چندوجهی بودن امر آموزش زبان، به نکات حائز اهمیتی در خصوص لزوم آشنایی مدرس زبان با روش‌های استفاده از متون ادبی در آموزش زبان خارجی پرداخته و اذعان می‌دارد که جذابیت فرهنگی این دسته از پیکره‌های زبانی بومی باعث ایجاد یک فرایند آموزش چندوجهی موثر می‌گردد (اسپرا، ۲۰۲۰، ۳۳-۲۵). ایلمیرا دادور در ترجمه مقاله‌ای از کلود سیمون (Claude Simon) در باب جایگاه ادبیات و سینما در زبان، به کمبودهای هستی‌شناسانه‌ای که سینما در قیاس با ادبیات برای سالها به آنها متهم بوده است اشاره دارد، ولیکن سینما را واسطه‌ای بسیار مهم در امر معرفی برش‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع زبانی مختلف می‌داند. اخلاقی و حسن‌زاده، از نقطه نظر مقابل به بررسی لزوم استفاده از آثار ادبی در آموزش زبان فارسی و معرفی روش‌های صحیح اقتباس از آنها در فرایند آموزش اشاره دارند (اخلاقی و حسن‌زاده، ۹۶). ماریو بارنگی (Mario Barengni) همچنین در راستای استفاده از ادبیات در کلاس‌های زبان خارجی با ارجاع به تئوری یادگیری زبان

دوم (Second language acquisition theory) به قلم استفان کراشن (Stephen Krashen) به این نتیجه می‌رسد که داده‌های آموزشی از لحاظ زبانی اصولاً می‌بایست در سطحی فراتر از نقطه مهارتی و توانشی که زبان‌آموز به آن خواهد رسید قرار گیرند (بارنگی، ۲۰۱۹). و در نهایت اینکه صفارمقدم و رستم بیک تفرشی در پژوهشی بسیار جذاب در مورد استفاده از فیلم سینمایی در آموزش زبان و فرهنگ ایرانی به غیرفارسی‌زبانان به معرفی یک نمونه طرح درس با استفاده از فیلم رنگ خدا (به کارگردانی مجید مجیدی ۱۳۷۶) پرداختند و پس از بحث در مورد نحوه و مراحل استفاده از این پیکره زبانی بومی در آموزش فارسی به این نتیجه رسیدند که علاوه بر تمام امتیازاتی که چنین روشی در تقویت چهار مهارت صحبت کردن، شنیدن، خواندن و نوشتن به زبان هدف دارد، در دنیای امروزی که گاه مملو از تبلیغات منفی و تهاجمی بر علیه ایران است، بهره‌گیری از منابع فرهنگی چون سینما برای مطرح کردن واقعیت‌های فرهنگی، تاریخی و تمدنی ایران معقول و چشم نواز است (صفارمقدم و رستم بیک تفرشی، ۱۳۹۳، ۹۸).

۳- روش تحقیق:

در این پژوهش با استناد به نتایج مطالعات اخیر کرامش و معینی میبدی (۱۴۰۰) در باب درک رابطه میان «خود» و «دیگری» و رای مرزهای فرهنگی با هدف رسیدن به یک توانش بینافرهنگی میانه، و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی به امکان آموزش دامنه‌ واژگان، مهارت‌های شنیداری و درک مطلب، خواندن و نوشتن با محوریت فرهنگ و دانش اجتماعی زبان هدف از طریق استفاده از اثر ادبی و فیلم سینمایی پرداخته شده است. مبنای نظری پژوهش حاضر توانش بینافرهنگی مدنظر بایرام و کرامش در امر یادگیری مهارت‌های چندگانه زبان است که بر طبق آن « زبان‌آموزانی که از توانش بینافرهنگی برخوردارند می‌توانند به درستی از زبان هدف استفاده کنند و دانش فرهنگی جامعه هدف را با توانش زبانی خویش پیوند دهند» (بایرام، ۱۹۹۷، ۷۱-۷۳). همچنین لازم به توضیح است که جامعه

آماري مدنظر در اين بررسي تحليلي، يك گروه كلآسي دانشجويان مقطع كارشناسي در رشته زبان و ادبيات ايتاليائي در دانشگاه تهران هستند كه از لحاظ سطح دانش و مهارت‌هاي زباني حداقل در سطح C1 و C2 بر طبق سطح-بندی چهارچوب مرجع مشترك اروپايي قرار دارند. در بسط توضيح در باب روش تحقيق عملي، هر كجا از متن ادبي منتخب و فيلم اقتباسي از آن در آموزش بهره برده شد به سه نكته اساسي دقت لازم مبذول داشته شد: **مورد اول:** نوع مواد انتخابي يا به عبارتي نوع اثر ادبي انتخابي كه ترجيحاً از ميان موضوعاتي انتخاب شدند كه سطح انگيزش زبان‌آموزان را در حد لازم نگاه دارند. آثاري انتخاب شدند كه از لحاظ فرهنگي داراي نكات مناسب جهت استفاده در قالب سيلابس درسي در كلاس باشند. همچنين سعي بر آن شد كه مدرس قبل از هر چيزي به سايه روشن‌هاي فرهنگي نهفته در اثر آگاه باشد. **مورد دوم:** روش‌هاي استفاده از مواد درسي يا همان متون ادبي و سينماي اقتباسي مربوطه. روش اتخاذي طبيعيّاً به متغيرهاي بيروني زيادي از جمله سن زبان‌آموزان وابسته است. در كلاس درسي مدنظر تمام شركت‌كنندگان دانشجوياني هستند كه تقريباً از يك گروه سني هستند. مدرس سعي بر اين داشت تا از تكنيكي بهره جويد كه حتي‌الامكان سطح كنجكاوي و انگيزش افراد در قسمت تحليل و بررسي اثر ادبي و صحنه‌هايي از فيلم اقتباسي از آن نزول نيايد. به عبارتي هماره تئوري قديمي بالبوني در باب حفظ نگاه منتقدانه و هوشيار زبان‌آموزان مد نظر گرفته شد. **مورد سوم:** اهداف آموزشي. مدرس سعي بر اين داشت تا از اهداف آموزشي مد نظر ياهمان حركت به سمت مهارت توانش تعاملي بينافرهنگي فاصله نگیرد و به همين دليل در زمان تشكيل كلاس‌ها، هر دو جلسه يك بار، به بررسي صحت روش اجرائي امور و ميزان علاقه و انگيزه زبان‌آموزان پرداخته و دليل استفاده از يك اثر ادبي خاص و يك فيلم اقتباسي خاص را براي دانشجويان توضيح داده است. به‌خصوص آثار ادبي به دليل ماهيتي كه دارند در يك چهارچوب فرهنگي مشخص و محدود از لحاظ زماني و مكاني و شرايط اقليمي قرار دارند، لذا توجه علت استفاده

از يك اثر ادبي در امر آموزش مهارت‌هاي زباني، زبان-آموزان را در درك بهتر روش آموزش و يافتن روش مناسب يادگيري كمك مي‌كند. به‌طور كل از ميان پنج راهكار علمي و عملي پيشنهادي در اين زمينه از طرف ديادوري (Diadori 2014) مدرسین به دو كانال عملي بسنده كردند و زبان‌آموزان متوجه شدند كه كانال پيشنهادي يادگيري در طی كلاس‌ها عملاً از ساختار ساده زير برخوردار است: كانال اول:

۱- انگيزش ← ۲- تحليل اثر (از نقطه‌نظر

اجتماعي، فرهنگي، تاريخي و زباني) ← ۳-

نقد و بررسي و گفتمان در باب اثر

كانال دوم:

توانش زباني ← متن ادبي و فيلم اقتباسي ← توانش زباني- فرهنگي

۴- بحث و بررسي

علت به‌كارگيري متن ادبي به عنوان پيكره بومي در آموزش

ويژگي خاصي كه يك متن ادبي در آموزش زبان خارجي دارد اين است كه قبلاً از هر چيزي زبان‌آموز شركت فعالی در خوانش متن دارد و لذا قبل از هر چيزي می‌بايست از مهارت درك مطلب و شناخت نسبي از انواع متون ادبي و توانايي تحليل آن و همچنين دايره مناسبي از لغات و عبارات و واژه‌شناسي لازم بهره‌مند باشد تا بتواند به‌طور مستقل متن را تفسير كند. ياري رساندن به زبان‌آموز از باب تشخيص گونه‌هاي مختلف متون ادبي و سطوح لغتي ساده و پيچيده آن در تقويت اعتماد به نفس و افزايش توانايي‌هاي زباني زبان‌آموز تأثير بسزايي دارد. توسعه دانش فرهنگي زبان‌آموز از طريق آموزش با ادبيات او را به سمت خودآگاهي بيشتري از فرايندهاي ادبي و تاريخي يك سرزمين سوق مي‌دهد و به دانش فرازبان‌شناختي كه به‌طور طبيعي در طول مسير مطالعه ادبيات حاصل می‌گردد دست

می‌یابد: به عنوان مثال رابطه میان یک نهضت و یا جریان ادبی خاصی را با یک واقعه خاص تاریخی سرزمین مدنظر می‌شناسد. اما سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که در حوزه آموزش زبان از کدام نوع متن ادبی صحبت می‌شود؟ کدام برنامه آموزشی باید به متن ادبی مدنظر نزدیک شود؟ چگونه از متن ادبی با هدف آموزش زبان استفاده شود؟ کدام مؤلف و کدام آثار؟ با کدام رویکرد می‌بایست از متن ادبی به عنوان پیکره آموزشی طبیعی استفاده برد؟

در پاسخ به این سؤالات با استناد به مطالعات بالبونی، بایرام و کرامش در حوزه آموزش زبان با محوریت توانش تعاملی بینافرهنگی (intercultural communication competence) و با اشاره به تحقیقات ارزشمند دهمرد (۲۰۲۰ و ۲۰۱۴) در باب فرهنگ در آموزش زبان خارجی، می‌توان گفت که متن ادبی انتخابی بیش از هر چیزی باید متناسب با یک طرح آموزشی و فرهنگی باشد و ابزار لازم جهت تمرین خوانش آن فراهم باشد چرا که به عقیده بالبونی «بدون درک و فهم زبان هیچ‌گونه یادگیری‌ای وجود نخواهد داشت» (بالبونی، ۲۰۱۴). همچنین - با توجه به مطالعات دهمرد - متن ادبی انتخابی باید از لحاظ روان-شناختی دارای ارزش باشد، علاوه بر این باید کاربردی نیز باشد یعنی اینکه از استانداردهای اخلاقی برخوردار بوده و بتوان آن را در قالب یک برنامه آموزشی وارد کرد. همان طور که لاونینو (Lavinio ۱۹۹۹) اذعان میدارد متون ادبی دارای انسجام داخلی، نقشه‌های موضوعی و مفهومی، همبستگی موضوعی و مکانیزمی از روابط محتوایی پیچیده در ساختار خود هستند. همچنین ماهیت ریخت‌شناسانه، نحوی و دستوری خود را دارند، به این دلیل می‌توانند به عنوان ابزاری مناسب برای مطالعه نکاتی چون رابطه مؤلف با بستر فرهنگی که در آن اثر را تولید کرده و یا جهت مطالعات سبک‌شناسی که آن مؤلف را از سایر مؤلفین متمایز می‌سازد به کار گرفته شود. همچنین از تحلیل متن ادبی می‌توان برای اهداف زیر بهره برد:

- بررسی افق تاریخی و فرهنگی که مؤلف اثر و خود اثر بدان وابسته هستند.
- زبان‌آموز بتواند گونه ادبی متن مورد نظر را شناسایی کند. با مشخصه‌های کلی اثر ادبی مانند ساختار روایی آن، رابطه پیوند میان تمام قسمتهای داخلی متن مورد نظر آشنا شود و بتواند تشخیص دهد که آیا در متن ادبی فقط از زبان رسمی جامعه هدف استفاده شده است و یا در برخی قسمتهای آن از گویش‌های مختلف هم استفاده شده است.
- آشنایی زبان‌آموز با پیچیدگی ظاهری و ساختاری اثر ادبی مورد تحلیل: به واقع آنچه که یک متن را «ادبی» می‌سازد بُعد ظاهری و ساختار زبانی آن و انتخاب‌های زبان‌شناختی مؤلف است. در این راستا، انتخاب واژگان، پیروی از قواعد نحوی و دستوری و آواشناسی خاص و برخی آرایه‌های ادبی نشان از آن دارد که متنی یک متن ادبی است و نه قسمتی از روزنامه و یا یک آگهی بازرگانی و تجاری.

علت به‌کارگیری یک اثر سینمایی اقتباسی به عنوان پیکره بومی در آموزش

پرواضح است که در حوزه تدریس زبان خارجی استفاده از فیلم امتیازات زیادی برای زبان‌آموزان دارد. فیلم، متنی غیرنگارشی بلکه سمعی و بصری، نوعی پیکره طبیعی و اصلی در آموزش زبان خارجی و معرف جامعه هدف و تحولات و تغییرات آن از منظر اجتماعی و فرهنگی و تاریخی است. طبیعتاً از نقطه نظر طرح برنامه آموزشی، متن فیلمی نیز دارای عناصر زبان‌شناختی و فرازبان‌شناسی جهت غنی‌سازی تجربه فرهنگی و تعاملی زبان‌آموز است؛ از این رو این نوع متون سمعی و بصری مناسب هستند جهت:

- بررسی زبان کلامی: آشنایی با اصطلاحات گویشی و عبارات خاص در زبان کلامی، گویش‌های منطقه‌ای مختلف و تفاوت‌های زبانی میان طبقات گوناگون اجتماعی در جامعه‌ای که از طریق فیلم و شخصیت‌های آن معرفی شده است.

- بررسی زبان غیرکلامی: که عبارت است از آنچه که به عنوان ویژگی‌های فرازبانی در ارتباطات و تعامل بین انسان‌ها نقش مهمی دارد مانند نحوه آرایش و لباس پوشیدن شخصیت‌های فیلم، نحوه قرارگرفتن اشیاء مختلف در صحنه‌پردازی‌های فیلم، لوازم روزمره و دکوراسیون موجود در فیلم، نحوه برخورد بین شخصیت‌ها و غیره که همگی از عواملی فرازبانی هستند که از فرهنگ و شاخص‌های اجتماعی-رفتاری و از جهان‌بینی افراد متعلق به جامعه هدف حکایت دارند. اینها همگی چونان مواد خامی هستند که در دست مدرس به عنوان داده‌های آموزشی مناسب می‌توانند به کار گرفته شوند.

- آشنایی با الگوهای فرهنگی و نظام‌های رفتاری و ارزش‌های اخلاقی مردم جامعه هدف.

علاوه بر این فیلم در کنار موضوع داستان و تصاویر مربوطه، از جاذبه‌های سمعی و بصری و میمیک و رفتار بی‌کلام بازیگران نیز بهره برده است که متن ادبی فاقد چنین امتیازاتی است. این امتیازات فیلم در بسترسازی پیام فرهنگی و اجتماعی داستان فیلم تأثرگذارند و از لحاظ روان‌شناسی و تربیتی، ارائه تصویری و موسیقایی پیام‌های رفتاری و فرهنگی از طریق فیلم بیننده را به‌طور فعال از لحاظ هیجانی و احساسی در امر جذب اطلاعات آموزشی دریافتی مشارکت می‌دهد. علاوه بر این موسیقی موجود در فیلم فرایند به حافظه سپردن و به خاطرآوردن را که در پایه

و اساس یادگیری زبان هستند تسهیل می‌سازد. از طرفی دیگر الگوی روایی در فیلم معمولاً از زبان واقعی و روزمره استفاده می‌برد و چه بسا اصطلاحات روزمره، خورده زبان‌هایی چون زبان نوجوانان و یا زبان مخصوص برخی اقلیت‌های در حاشیه رانده شده و یا عبارات و واژگان وام گرفته شده از زبان‌های دیگر که وارد زبان محاوره‌ای شده‌اند همه و همه به زبان‌آموز این امکان را می‌دهد تا با سطوح متفاوت زبانی جامعه هدف آشنا گردد. روندولینو و تومازی (Rondolino & Tommasi) در تحقیقی حائز اهمیت در باب ویژگی‌های فیلمنامه و کاربرد آن در آموزش زبان بر این عقیده‌اند که «متن فیلمی نشانگر زبان در شرایط واقعی و مختلف استفاده از آن توسط گویشوران بومی است و لذا وسیله‌ای است ارزشمند برای غنی‌سازی فرهنگی در زبان‌آموز» (روندولینو، تومازی، ۲۰۰۶).

با عنایت به نکات بالا، شاید بتوان ادعان داشت که استفاده از آثار سینمای اقتباسی در کنار آثار ادبی به مدرس امکان ایجاد تنوع در تحلیل پیکره‌های آموزشی مدنظر را می‌دهد چرا که با استفاده از کانال‌های سمعی و بصری در حقیقت کدها و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناسی زیادی را در قیاس با یک متن نوشتاری ساده می‌توان به زبان‌آموز ارائه داد و بدین‌سان او می‌تواند گزینه‌های ارتباطی و زبانی مورد انتخاب شخصیت‌های فیلم را بهتر بشناسد و با تعداد بیشتری از الگوهای زبان شفاهی و محاوره‌ای برخورد داشته باشد و در نتیجه «دانش بیشتری در رابطه با وجوه مختلف فرهنگی زبان در جامعه هدف کسب کرده و به دلیل آشنایی با برخی تنوع‌های زبان‌شناختی منطقه‌ای، از توانایی بهتر در روان خواندن متنی که فیلم از آن اقتباس شده است، در تلفظ صحیح کلمات و در استفاده مناسب از آهنگ و ریتم خوانش جمله برخوردار خواهد بود. اینها مهارت‌هایی هستند که در کسب توانش تعاملی بینا فرهنگی در فرایند یادگیری زبان نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند» (مدی، Medi، ۲۰۰۷). به مانند خواندن و تحلیل متون ادبی، در راستای یادگیری زبان از طریق سینمای اقتباسی نیز زبان‌آموز نقش مرکزی پیدا می‌کند چرا که با استناد به

فرضیه طرح‌واره (schema learning theory) که مدنظر محققینی چون کرامش و دهمرده (۲۰۲۰) است، در وی فرایندهای ذهنی و فراذهنی فعال شده و به او این فرصت را می‌دهند تا با نزدیک پنداری خویش با یکی از شخصیت‌های فیلم، یک سری پیش‌فرض‌هایی را در ذهن خود در باب آن شخصیت ایجاد کند و در این امر لاجرم از بینش و از دانش فرهنگی زبان مادری خویش بهره‌جسته و تصویر ذهنی در مورد انتخاب‌ها و کارهای شخصیت مدنظر جهت توجیه و تعبیر رفتار و کنش او تولید می‌کند. چرا که « زبان‌آموز باید این را درک کند که تمام مردم جهان با ملیت‌های متفاوت روش‌های خود را در نشان دادن آداب رفتاری و فرهنگی دارند اما می‌تواند به روش‌های متفاوت باشد» (دهمرده، ۲۰۲۰، ۱۶۳). زبان‌آموز همچنین با اتخاذ تفکری انتقادی از مرزهای ظاهری فیلم عبور کرده و در مورد نحوه زیستن و کدهای رفتاری شخصیت‌های فیلم دقت می‌کند تا بداند فرضاً ایتالیایی‌ها یا انگلیسی‌ها در مواجهه با شرایط و پیشامدهای مشخصی چه رفتار کلامی و غیرکلامی خاصی به‌طور طبیعی اتخاذ می‌کنند.

بدین‌سان راه یافتن به یک فرهنگ متفاوت از طریق اثری از سینمای اقتباسی به زبان‌آموز اجازه می‌دهد تا نگرش انتقادی خویش را و «کلید دو سویه تعبیری که میان فرهنگ مبداء و فرهنگ هدف در جریان است را فعال نگاه دارد و در انتخاب فیلم و بازیگری که به نیازهای زبانی و فرازبانی او پاسخ دهند ساختار ذهنی ثابت‌تری را به کار بندد، و بتواند توضیحاتی در مورد پیامی که فیلم به او مخابره می‌کند پیدا نماید» (بالبونی، ۲۰۱۴).

بسترهای کاربردی برای استفاده تلفیقی از متن ادبی و اثر سینمایی در آموزش زبان

قبل از هرچیزی، از نقطه نظر آموزشی لازم است که مدرس نظم و انسجام لازم را به خواندن انتقادی و تحلیل متن ادبی و سینمایی اختصاص دهد تا زبان‌آموزان با چنین

فعالیت تحلیلی از دانش‌های زبانی که قبلاً کسب کرده‌اند بهره برده و با اتکاء به مهارت‌های خویش از عهده مسائل مربوط به متون مذکور برآیند. لذا، در این راستا، یک طرح تدریس هوشمند نوعی برنامه مستقل است که در کنار قوت بخشیدن به قدرت تحلیل و درک زبان‌آموز، به مسائلی چون جریان‌های فرهنگی و یا نهضت ادبی خاصی در یک دوره تاریخی مشخص از جامعه هدف، و یا به یک نویسنده و یا یک کارگردان خاص و یا بازیگری که در آن جامعه از شهرت برخوردار بوده و به نوعی یک چهره مردمی در آن جامعه است می‌پردازد. سراجوتو در این باب اعتقاد دارد که در برنامه تدریسی برای اثر ادبی و فیلم اقتباسی، مدرس می‌تواند خود گونه خاص ادبی و سینمایی را که از لحاظ روان‌شناختی بتواند تأثیر بیشتری بر روی زبان‌آموزان داشته باشد انتخاب کند (Serragiotto, ۲۰۱۸). در هر صورت مهم آن است که مدرس بتواند در پس این تحلیل‌ها از میزان کسب توانایی زبان‌آموز آگاهی پیدا کند. زمانی که طرح تدریس مشخص شد، «مدرس می‌بایست رابطه لازم میان متن ادبی و فیلم اقتباسی را از لحاظ سکانس موضوعی و محتوایی و از لحاظ منطقی ایجاد کند. هدف اولیه بهتر ساختن مهارت‌هایی چون خواندن متن، درک مطلب، تقویت شنود و درک مکالمات و معانی گوناگون زبان کلامی و غیرکلامی است، و غایت نهایی سوق دادن زبان‌آموز به سمت درک نظام فرهنگی و پیام‌های اجتماعی نهفته در آثار مورد بررسی است. غایت نهایی شناخت تصاویری از فرهنگ جامعه هدف است، فرهنگی از فرهنگ کل انسانی که زبان‌آموز به واسطه زبان مادری خود نیز از قبل با آن آشنایی دارد» (سراجوتو، ۲۰۱۸). در چنین طرح تدریسی - به نظر بالبونی - تجربه متن ادبی و تجربه متن سینمایی در هم ادغام شده و زبان‌آموز با کمک جستن از دانش فرهنگی خویش به دنبال درک نظام فرهنگی معرفی شده می‌باشد تا پیام‌های روان‌شناختی و زبان‌شناسی دریافتی را تعبیر و تفسیر کند. با عنایت به نکات مطرح شده و در بطن این تحقیق، در ادامه سه جدول الگوی تدریس ارائه شده است

که ماهیت پیشنهادی و پژوهشی داشته و طبیعتاً عاری از مشکلات عملی نخواهد بود.

انتخاب داده‌های مورد بررسی

جدول ۱، جدول ۲ و جدول ۳. تقسیم‌بندی محتوای برنامه تدریس:

از لحاظ نحوه تدریس اگر به مطالعات تریولو (Triolo) در مورد انواع پیکره‌های بومی آموزشی دقت داشته باشیم، با توجه به جدول‌های یک، دو و سه که در ادامه ارائه شده است، می‌توان اینگونه اذعان کرد که چنین طرح آموزشی به‌طور کلی به دو مرحله تقسیم می‌شود: در مرحله اول زبان آموز به سمت درک و دریافت اطلاعات تاریخی و اجتماعی-فرهنگی موجود در متن ادبی و فیلم سینمایی سوق داده می‌شود. در این مرحله نوعی فرایند کدشناسی و رمزگشایی از طرف زبان‌آموز صورت می‌گیرد. به‌خصوص در مورد جدول اول، در مورد پیکره یک اثر ادبی، مدرس از قبل در تسهیل درک معنای کلی و پیام جامع اثر با استفاد از توضیحات در حاشیه اثر و یا تصاویر و عکس‌هایی در متن و یا در پانوشت متن و از طریق ارائه اطلاعات جانبی در مورد مؤلف و در باب دوره تاریخی و هنری که اثر ادبی به آن تعلق دارد به زبان‌آموز کمک می‌کند. این اطلاعات به مثابه چند مرجع تئوریک برای شناخت ابتدایی از مؤلف و اثر وی در مرتفع نمودن نیاز منطقی زبان‌آموز به نکاتی جهت بررسی رابطه مؤلف با بستر فرهنگی-اجتماعی و سیاسی که اثر ادبی در آن تولید شده است مفید واقع می‌گردد. قدم بعدی چه در رابطه با جدول یک (تلفیقی از متن ادبی و فیلم سینمایی اقتباسی) و چه در رابطه با جدول‌های دو و سه که فقط دارای پیکره‌های بومی سمعی و بصری هستند، مربوط به خوانش تحلیلی اثر ادبی و یا فیلم اقتباسی از آن و یا فیلم سینمایی مستقل است که بستر پرسش و پاسخ و موضوع بحث و بررسی در کلاس خواهد بود به گونه‌ای که زبان‌آموزان نقطه نظرهای خویش را در رابطه با آنچه که خواندند و دیدند ارائه می‌دهند. به خوبی هویداست که بدین‌سان توانایی نقد و تحلیل و مشارکت

فعال در بحث‌ها در مسیر مفاهیم‌یابی علاوه بر تمرین جمله‌سازی و تلفظ واژگان به زبان مقصد، باعث تعاون و همکاری میان زبان‌آموزان می‌شود که خود بر طبق نظریات کرامش (۲۰۱۳) و بایرام (۱۹۹۷) یکی از پایه‌های اصلی توانش تعاملی اجتماعی در فرد است. طبیعتاً - به‌خصوص در مورد جدول سوم-، در این مرحله مهم است که مدرس رابطه مثبت و سازنده میان فرهنگ زبان هدف و فرهنگ زبان مبدا را تقویت سازد چرا که به واقع نظرات زبان‌آموزان به مثابه قدمی سازنده جهت شناسایی و حفظ رابطه بینا فرهنگی میان ایشان و زبان هدف می‌باشد. «در چنین بستری که هر زبان‌آموزی تفسیر و درک خویش از متن را بیان می‌کند، ادبیات تبدیل به یک موضوع تحقیق می‌شود جهت کشف ویژگی‌های ظاهری متن ادبی مورد بررسی و یا ویژگی‌های روان‌شناختی یکی از شخصیت‌های فیلم» (تریولو، ۲۰۱۱).

در مرحله دوم فعالیت آموزشی، که مختص تلخیص متن یا فیلم است، در حالی که زبان‌آموزان نظر انتقادی خود را در رابطه با متن یا فیلم بیان می‌دارند، مدرس سؤالاتی با ماهیت هستی‌گرایی و وجودگرایی عنوان می‌کند و زبان‌آموزان با دانش خود از اثر ادبی یا فیلم اقتباسی نظرات خویش را بیان می‌دارند. در این مرحله «می‌توان یک پیکره فرامتن (hypertext corpus) با تلفیقی از اثر ادبی و فیلم اقتباسی مدنظر ایجاد کرد و در مورد آن به بحث و گفتگو نشست» (بالونی، ۲۰۱۴). در حوزه تمرینات فرامتنی در باب جدول شماره یک، می‌توان ورای تعبیری که کارگردان سینمایی از آن اثر ادبی ارائه داده است، از زبان‌آموز خواست تا با کمک مدرس در زمینه سناریو و صحنه‌آرایی و غیره نسخه سینمایی خود را از متن ادبی تعریف کند و بدین‌سان به ورای متن ادبی یا فیلم رود. در این مرحله می‌توان همچنین با تلفیق برش‌هایی از فیلم و از اثر ادبی مورد تحلیل، در مورد تعبیری که یک کارگردان خاص از یک اثر ادبی داده است بحث کرد. همچنین از زبان‌آموز خواسته می‌شود تا در مورد تفاوت‌های تفسیری و معنایی احتمالی که میان متن اثر ادبی و نسخه سینمایی آن وجود دارد و یا

در مورد ویژگی‌های شخصیت‌های فیلم و اثر ادبی توضیح دهد. «بدین‌سان نوعی تحلیل نقدی شکل می‌گیرد که می‌تواند به عنوان مثال انتخاب موسیقی متن فیلم، مناظر موجود در فیلم، تفاوت‌های احتمالی میان شخصیت‌های اثر داستانی و فیلم، زبان غیرکلامی آنها و غیره را توجیه کند» (گادرولت، Gaudreault، ۲۰۰۶). ایجاد این پل تحلیلی مستقیم میان اثر ادبی و فیلم اقتباسی از آن باعث تقویت قدرت خلاقیت و تعمق و تفکر در مورد محتوای ادبی و

سینمایی، الگوهای زبان‌شناختی و فرهنگی می‌شود و به زبان‌آموز این توانایی را می‌دهد تا با تکیه بر توانش‌های زبان‌شناسی و ذهنی، تفسیر خویش را از این دو پیکره تلفیقی ارائه دهد.

جدول‌ها در ذیل آمده است:

جدول ۱: آثار ادبی و فیلم‌های اقتباسی مربوطه

عنوان فیلم	عوامل فرامتنی مربوط به این اثر: سال تولید و کارگردان. موسیقی متن خاص. جایزه تعلق گرفته به فیلم اقتباسی.	اثر ادبی که فیلم از آن اقتباس شده است:	موضوع و نحوه استفاده از این دو نوع منبع در آموزش زبان:
Decameron (دکامرون)	۱۹۷۱- پیر پائولو پازولینی (Pier Paolo Pasolini)، ۱ ساعت و ۵۲ دقیقه. ژانر کمدی. فیلم اقتباسی از یکی از شاهکارهای ادبیات منثور ایتالیا در سده چهاردهم میلادی.	مجموعه صد حکایت از جوانی بوکاچو (Giovanni Boccaccio) با عنوان دکامرون (Decameron) (اولین نسخه اثر: ۱۳۴۹ یا ۱۳۵۱ میلادی)	موضوع: این فیلم پردازش سینمایی از ۹ حکایت از مجموع ۱۰۰ حکایت موجود در متن اثر ادبی است و موضوع اصلی اثر ادبی را که همان طاعون سیاه در اروپا در سال ۱۳۴۹ میلادی است به پرده می‌کشد. حکایات مطرح شده در این فیلم از برخی از موضوعات اصلی اثر ادبی مانند آداب و رسوم رایج در توسکانی قرون وسطی، و از ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، وفاداری و امانت‌داری، هوش و دقت و جوانمردی و همچنین از برخی رذایل اخلاقی چون طمع و حرص و آز و دزدی و غیره پرده بر می‌دارند. در کل این نسخه سینمایی جامعه ایتالیایی قرون وسطی را معرفی می‌کند. استفاده از گویش‌های محلی و منطقه‌ای مانند گویش ناپلی و ونیزی و رمی در این فیلم به خوبی مشهود است.
Maraviglioso Boccaccio (بوکاچوی شگفت‌انگیز)	۲۰۱۵- پائولو و ویتوریو تاویانی (Paolo & Vittorio Taviani)، ۱۲۰ دقیقه. این فیلم برنده جایزه نوار نقره‌ای برای بهترین کارگردان شد. از ویژگی خاص این نسخه سینمایی	مجموعه صد حکایت از جوانی بوکاچو با عنوان دکامرون (اولین نسخه اثر: ۱۳۴۹ یا ۱۳۵۱ میلادی).	موضوع: این نسخه سینمایی خوانشی مدرن از اثر ادبی و حاوی ۵ حکایت از ۱۰۰ حکایت موجود در آن است. موضوع فیلم بیشتر از اینکه به موضوعات اخلاقی و ایدئولوژی‌های فرهنگی اشاره داشته باشد به آداب و رسوم طبقه اشراف زاده فلورانس در سده چهاردهم میلادی و به ویژگی‌های زبان‌شناختی و فرازبانی زبان ایتالیایی

<p>مردمی (Italiano volgare) که این اثر به قلم خاص نویسنده بهترین نمود آن در ادبیات ایتالیایی است اشاره دارد.</p> <p>نحوه استفاده: پخش صحنه‌هایی از دو نسخه متفاوت فیلمی و تمرین خوانش متن در اپیزودهای مربوطه در متن اثر ادبی. بحث در مورد تفاوت‌های ساختاری و محتوایی در دو نسخه فیلمی از یک اثر ادبی.</p>		<p>اقتباسی موسیقی متن آن است که برادران تاویانی از سه نوع اپرا که از ارزش تاریخی و فرهنگی و هنری زیادی برخوردارند در آن بهره بردند:</p> <p>۱. اپرای مک بث اثر جوزپه وردی (Giuseppe Verdi).</p> <p>۲. Semiramide اثر پوچینی (G. Puccini).</p> <p>۳. Manon Lescaut اثر روسینی (G. Rossini).</p>	
<p>موضوع: تمام این نسخه‌های سینمایی و تلویزیونی اقتباسی از رمان تاریخی مدنظر معرف مضامین اصلی و مهم رمان می‌باشند: داستان عاشقانه دو شخصیت اصلی اثر رنزو (Renzo) و لوجیا (Lucia) در سال ۱۶۲۸ میلادی و واقع در روستایی نزدیک به دریاچه کومو (Como) در شمال ایتالیا، قاب عکسی است بر وضعیت نابسامان این کشور از لحاظ اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در سده هفدهم و تحت سیطره بیگانگان (اسپانیایی‌ها و آلمان‌ها). هویت تاریخی و رمانتیک اثر ادبی با توجه به تعهدات ادبی، هنری، اجتماعی و فرهنگی نویسنده، الساندرو مانتزونی، که از چهره‌های برتر ادبیات رمانتیک در دوره رستاخیز ایتالیا است، کاملاً در این نسخه‌های اقتباسی سینمایی مشهود است.</p> <p>همچنین استفاده از زبان منطقه‌ای توسکانی، استفاده از گویش‌های برخی مناطق استان‌های شمالی ایتالیا (لومباردیا)، استفاده از عبارات به زبان لاتین (از طرف برخی شخصیت‌های داستان)، استفاده از ضرب‌المثل و گفته‌های کهن مردمی که در اثر ادبی به وفور یافت می‌شوند، در فیلم‌ها نیز به‌خوبی مشهود است.</p> <p>نحوه استفاده: پخش صحنه‌هایی از نسخه‌های فیلمی متفاوت و خوانش همان اپیزودها در متن اثر ادبی. بحث و بررسی بر تفاوت‌های موجود در تولیدهای سینمایی متفاوت. بحث در مورد موضوع فیلم و محتویات آن.</p>	<p>رمان تاریخی I Promessi Sposi اثر الساندرو مانتزونی (Alessandro Manzoni)، سومین و کامل‌ترین نسخه اثر منتشر شده در سال ۱۸۴۲ میلادی.</p>	<p>✓ نسخه سینمایی با همان عنوان سال ۱۹۴۱: به کارگردانی ماریو کامرینی (Mario Camerini).</p> <p>✓ مینی سریال تلویزیونی با همان عنوان سال ۱۹۶۷: نسخه سینمایی با همان عنوان سال ۱۹۶۴: به کارگردانی ماریو مافی (Mario Maffei).</p> <p>✓ نسخه سینمایی با همان عنوان سال ۲۰۰۷: به کارگردانی ماسیمو دانولفی (Massimo D'Anolfi).</p>	<p>I Promessi Sposi (دلدادگان)</p>
<p>موضوع: هر دو نسخه سینمایی اقتباسی هستند از رمان واقع‌گرایی خانواده مالاولیا. داستان این اثر که</p>	<p>رمان رئالیست یا واقع‌گرایانه I Malavoglia (خانواده مالاولیا)</p>	<p>۱/ نسخه سینمایی به کارگردانی لوکینو ویسکونتی (Luchino Visconti) در</p>	<p>1/ Terra trema</p>

<p>(زمین می لرزد) I Malavoglia / ۲ (خانواده مالاوگلیا)</p>	<p>سال ۱۹۴۸ میلادی. ۲/ نسخه سینمایی به کارگردانی پاسکواله شیمیکا (Pasquale Scimeca) در سال ۲۰۱۰ میلادی.</p>	<p>اثر جوانی وِرگا (Giovanni Verga) منتشر شده در سال ۱۸۸۱ میلادی و یکی از نمایه‌ها و شاهکارهای ادبیات واقع‌گرا در نهضت رئالیست ایتالیا که در سالهای انتهایی سده نوزدهم پا گرفت. این اثر ادبی یکی از متون مهم ادبی تثبیت شده برای درس ادبیات ایتالیایی در نظام آموزشی مدارس ایتالیاست. در متن رمان از گویش سیسیلی و از ضرب‌المثل‌های قومی و منطقه-ای زیاد استفاده شده است.</p>	<p>در یک روستای ساحلی و فقیر جزیره سیسیل با نام اچیترتزا (Aci Trezza) واقع شده است حکایت خانواده‌ای از صیادان است که با تمام ماجراها و پستی و بلندی‌های زندگی‌شان نمایانگر برخی مسائل مهم فرهنگی و اجتماعی جنوب ایتالیا و به‌خصوص سیسیل در سال‌های پس از استقلال سیاسی شبه جزیره ایتالیا (۱۸۶۱) است: فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی، خرافه پرستی، حس رقابت میان افراد برای حفظ بقا، خودخواهی، صفات زیبا و زشت آدمی، ضد و نقیض‌های رفتاری و عقیده‌ای، ناامیدی و درماندگی، برنده‌های جامعه انسانی و مغلوب‌ها، دنیایی مملو از فقر مادی و معنوی. این نسخه‌های سینمایی به خوبی از سایه و روشن‌های ساختاری و موضوعی در رمان واقع‌گرا از گونه اجتماعی پرده بر می‌دارند. نحوه استفاده: پخش تمام یا قسمت‌هایی از فیلم اقتباسی و بحث در مورد موضوعات و ساختار متن ادبی مورد اقتباس. بررسی انتخاب‌های زبانی و گویشی از طرف مؤلف و از طرف کارگردان.</p>
--	--	--	---

جدول ۲: فیلم‌های سینمایی غیراقتباسی با موضوعات اجتماعی و

فرهنگی و روان‌شناختی جامعه معاصر ایتالیا

سری تولیدات سینمایی معروف به «تلفن‌های سفید»

<p>نام سری تولید سینمایی:</p>	<p>I telefoni bianchi (تلفن‌های سفید) از زیرمجموعه سینمای فرهنگی و غیر پروپاگاندای متعلق به رژیم فاشیست. نام دیگر این نوع تولید سینمایی Cinema déco (سینما دکو) است - به دلیل حضور پررنگ لوازم دکوراسیون تجملی محیط‌های داخلی خانه‌ها که نشانه‌ای از پیروی سینما از مد دکو بود که در آن سالها در اروپای غربی به چشم می‌خورد- و عنصر تبلیغاتی از فرهنگ و هویت ایتالیایی و ایتالیایی در این نوع تولیدات سینمایی به وفور یافت می‌شود.</p>
<p>دوره تاریخی تولید:</p>	<p>دوره بیست ساله فاشیسم در ایتالیا، دهه سی و چهل قرن بیستم.</p>
<p>علت اینگونه نامگذاری این مجموعه فیلم‌های سینمایی</p>	<p>وجود دستگاه تلفن سفید رنگ در تمام صحنه‌پردازی‌های داخلی سکناس‌های این دسته فیلم‌ها. «تلفن سفید» یک شیء است که نماد تکنولوژی و پیشرفتی است که در دهه سی قرن بیستم جامعه صنعتی ایتالیا را که تحت تأثیر فلسفه فرهنگی رژیم فاشیست قرار داشت متحول و متقلب ساخت. با تحول اقتصادی به‌خصوص در شهرهای بزرگ و صنعتی ایتالیا، بافت شهرنشینی از لحاظ فرهنگی و رفتاری و از باب عادات و عقاید بسیار تغییر کرد: گویی که رشد فرهنگی و اجتماعی افراد فقط بستگی به وضعیت اقتصادی و مالی و حساب بانکی ایشان دارد. البته در طی سالهای جنگ جهانی دوم زمانی که رژیم بنیتو موسولینی به دلیل مسائل سیاسی و ژئوپولیتیک در شرف از دست دادن اعتبار و معنای هویتی و فلسفی خود بود، برخی از کارگردانان این گونه تولیدات سینمایی مانند الساندرو بلازتی (Alessandro Blasetti) با فیلم‌های خویش به اعتراض بر علیه ایدئال‌های شکست خورده فاشیسم و هویدا ساختن زخم‌های داخلی طبقه تازه به رفاه رسیده خورده بورژوا و به‌خصوص سستی ارزش‌های اخلاقی و بحران فردی ایجاد شده</p>

به دنبال نفوذ تکنولوژی و ماشین قدرت در تمام عرصه‌های زندگی انسان در جوامع پیشرفته صنعتی پرداختند.	
خانوادگی. طبقه بورژوا و خورده‌بورژوا با تمام سایه و روشن زندگی شخصی و خانوادگی خویش و با تمام دغدغه‌هایی که در میان چهاردیواری آپارتمان‌های شهرنشینی و خانه‌های ویلایی می‌گذرد در برابر دوربین قرار می‌گیرد.	موضوعات این نوع فیلم‌ها:
<p>(۱) Il signor Max (آقای مکس) به کارگردانی ماریو کامرینی (Mario Camerini) در سال ۱۹۳۷.</p> <p>(۲) La segretaria privata (منشی خصوصی) به کارگردانی گوفردو الساندرینی (Goffredo Alessandrini) در سال ۱۹۳۱.</p> <p>(۳) Ma non è una cosa seria (چیز مهمی نیست) به کارگردانی ماریو کامرینی در سال ۱۹۳۶.</p> <p>(۴) Gli uomini che mascalzoni (آقایون عجب آدمهایی!) به کارگردانی ماریو کامرینی در سال ۱۹۳۲.</p> <p>(۵) Darò un milione (یک میلیون پرداخت خواهم کرد) به کارگردانی ماریو کامرینی در سال ۱۹۳۶.</p> <p>(۶) La signora in nero (خانم سیاهپوش) به کارگردانی نونزیو مالاسوما (Nunzio Malasomma) در سال ۱۹۴۳.</p>	برخی از این گونه فیلم‌های سینمایی:
اهمیت این نوع فیلم‌ها: توصیف شرایط اجتماعی و فرهنگی یکی از دوره‌های مهم تاریخ معاصر ایتالیا.	استفاده کاربردی به
نحوه کاربرد: پخش چند دقیقه از برخی برش‌های فیلم و به دنبال آن دعوت از زبان‌آموزان به بحث در مورد آنچه که دیدند و متوجه شدند.	عنوان پیکره آموزشی:

جدول ۳: مقایسه فیلم سینمایی غیراقتباسی تولید شده در جامعه هدف با فیلم سینمایی تولید شده در جامعه مبداء با همان مضامین و به زبان هدف

<p>Divorzio all'italiana (طلاق به سبک ایتالیایی)</p> <p>پیترو جرمی (Pietro Germi) در سال ۱۹۶۱. برنده اسکار ۱۹۶۲ برای بهترین صحنه‌پردازی.</p> <p>ایتالیایی</p> <p>مسئله اجتماعی طلاق و آسیب‌های فردی و خانوادگی ناشی از آن.</p> <p>نحوه کاربرد: پخش قسمت‌هایی از هر دو فیلم</p>	<p>عنوان فیلم:</p> <p>کارگردان و سال تولید:</p> <p>زبان اصلی فیلم:</p> <p>موضوع:</p>	۱/
<p>جدایی نادر از سیمین (A separation)</p> <p>اصغر فرهادی. محصول ۱۳۸۹. اکران در سینماهای ایتالیا در سال ۲۰۱۱. برنده اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان، برنده گلدن گلوب، خرس طلایی از جشنواره فیلم برلین، جایزه ۲۹ جشنواره فیلم فجر.</p> <p>فارسی. دوبله شده به ایتالیایی.</p> <p>مسئله اجتماعی طلاق و آسیب‌های فردی و خانوادگی ناشی از آن.</p> <p>نحوه کاربرد: پخش قسمت‌هایی از هر دو فیلم</p>	<p>عنوان فیلم:</p> <p>کارگردان و سال تولید:</p> <p>زبان اصلی فیلم:</p> <p>موضوع:</p>	۲/

با یک نگاه اجمالی به سه جدول پیشنهادی، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که با عنایت به مطالعات مدی (۲۰۰۷) و با استناد به مطالعه ازور روزا (Asor Rosa 2014) در مورد استفاده از آثار مهم ادبی-فرهنگی و ملی یک جامعه

۵- تحلیلی تئوری بر کارکرد عملی سه جدول به کار گرفته شده:

زبانی مقصد در آموزش مفاهیم فرهنگی آن به زبان آموزان، جدول شماره یک بیشتر از این باب مورد استفاده قرار می‌گیرد که دو پیکره بومی (متن اثر ادبی و فیلم برگرفته از سینمای اقتباسی) را در کنار هم قرار داده و در تمرین نکات مربوط به دستور زبان، جمله‌سازی، تلفظ و آواشناسی و لهجه، آشنایی با گویش‌های منطقه‌ای، نکات فرازبانی مربوط به زبان غیر کلامی، و همچنین در بحث و بررسی در باب جریان‌های ادبی و هنری مربوط به زبان و ادبیات ایتالیایی مانند ادبیات متثور در عهد اومانسیم (دکامرون)، نهضت ادبی رئالیسم (رمان خانواده مالاویا به قلم جوانی ورگا) و ماهیت رمان تاریخی در عصر رمانتیک (رمان دلدادگان به قلم الساندرو مازونو) می‌تواند مفید واقع گردد. جدول دوم، با ارائه یک سری فیلم‌های متعلق به سینمای بومی جامعه هدف که از ژانر یا گونه موضوعی خاصی پیروی می‌کنند، می‌تواند زبان آموز را در شناخت و بررسی سایه روشن‌های فرهنگی و اجتماعی و رفتارشناسی جامعه هدف در بازه زمانی و تاریخی مشخصی از دوران معاصر یاری رسانند و دانش فرهنگی و آگاهی اجتماعی وی از زبان مورد مطالعه را تقویت کنند. البته بی‌شک در معیار انتخاب فیلم‌ها، مدرس «باید تطبیق‌پذیر بودن آنها از جنبه زبانی، فرهنگی و موضوعی با شرایط سنی و آموزشی گروه هدف را مورد توجه قرار دهد» (صفا، مقدم و رستم بیگ تفرشی، ۱۳۹۳، ۸۶). جدول شماره سه، با عنایت به اینکه از یک موضوع واحد اجتماعی و فرهنگی دو محصول سینمایی تولید شده در جامعه مبداء و جامعه هدف را ارائه می‌دهد، می‌تواند علاوه بر تمرین بر توانایی شنیداری و درک مطلب و به دنبال آن تولید شفاهی زبان، با دعوت از زبان آموزان به شرکت در یک گفت‌وگو دوستانه به زبان مقصد، در مورد موضوع اجتماعی و فرهنگی که در دو فیلم مطرح شده است، ایشان را در تقویت قدرت تفکر به زبان خارجی، بیان مطالب و نقطه نظرهای خویش به زبان خارجی و با اتکاء به دانش فرهنگی خویش و شناخت از جامعه مبداء و آشنایی با جامعه هدف یاری رساند.

همچنین در مورد رویکرد پخش فیلم در هر سه الگوی ارائه شده، می‌توان از دو رویکرد پیشنهادی (صفا، مقدم و رستم بیگ تفرشی، ۱۳۹۳، ۸۸) استفاده برد: «رویکرد پخش صحنه‌ای (short sequence approach) و یا رویکرد پخش کلی (whole film approach)». با چنین تمرینی علاوه بر تکیه بر مسائل زبان‌شناسی با ایجاد کنجکاوی و دعوت از زبان آموزان به تعامل و گفت‌وگو به زبان مورد مطالعه، اعتماد ایشان به قوت بیانی خود در زبانی غیر از زبان مادری و توانش برقراری ارتباط به شکل مؤثر افزایش خواهد یافت. در مورد جدول سوم، آنچه که در زبان آموز تقویت و فعال می‌گردد همان سه توانشی است که دهمرده به استناد به چن (Chen, 2003) از آن با عنوان آگاهی بینا فرهنگی (intercultural knowledge) در مورد یک موضوع اجتماعی، حساسیت بینا فرهنگی (intercultural sensitivity) در مورد یک موضوع اجتماعی و اثربخشی بینا فرهنگی (intercultural effectiveness) که یک موضوع اجتماعی واحد در جوامع زبانی و فرهنگی متفاوت در ذهن زبان آموز ایجاد می‌کند نام می‌برد (دهمرده، ۲۰۲۰، ۱۶۱). در نتیجه با استناد به فرضیه بایرام و با تکیه بر فرضیه چاو (Chao, 2013) مبنی بر اینکه توانش بینا فرهنگی (intercultural competence) سه وجه اصلی با عنوان عاطفی (affective)، ذهنی (cognitive) و رفتاری (behavioural) دارد، چنین طرح تدریس پیشنهادی در سه الگوی متفاوت ارائه شده (جدول یک، دو و سه) به دنبال آموزشی است که فرهنگ محور می‌باشد.

۶- نتیجه نهایی:

بنابراین ادبیات و سینما دو منبع ارزشمند هستند که یک ملت، یک قوم و یک هویت ملی و فرهنگی و زبانی را تعریف می‌کنند. با ارجاع به اهمیت توانش بینا فرهنگی در آموزش زبان (بایرام، ۱۹۹۷) که مبنای نظری این پژوهش قرار گرفته است، این دو پیکره بومی زبانی به واسطه ویژگی‌های ساختاری و محتوایی خود می‌توانند در قالب یک برنامه تدریس هوشمند با محوریت توانش بینا فرهنگی

به مثابه دو پیکره آموزشی بومی مناسبی برای روایت و توصیف شرایطی که به زندگی واقعی و روزمره افراد در جامعه هدف نزدیک هستند و زبان آموز قادر به درک آنهاست می‌باشند به کار گرفته شوند. واضح است که آموزش زبان و فرهنگ با استفاده از چنین پیکره‌هایی زبان آموز را از باب هوش‌های چندگانه کرامش، احساسات، عواطف و هیجانات سمعی و بصری به‌طور فعال در امر یادگیری مشارکت می‌دهد چرا که هر دو پیکره بنا بر دلایل ساختاری و محتوایی قادرند عطر و رنگ و بو و مناظر متعلق به سرزمینی که متن ادبی و فیلم در آن تولید شده‌اند را در قالب تجربه حسی و قابل لمس در اختیار زبان آموز قرار دهند، و لذا فراتر از کتاب دستور زبان رفته و آموزشی دانش پذیر-محور ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، آموزش زبان خارجی از طریق متن ادبی و فیلم اقتباسی از آن می‌تواند نوعی برنامه تدریس با چشم انداز توانش بینافرهنگی باشد که در آن رابطه میان مدرس و زبان آموز دو طرفه است و مدرس در کنار زبان آموز قرار گرفته و او را در ایجاد و حفظ شرایط ارتباطی تعاملی میان فرهنگ خویش و فرهنگ جامعه هدف یاری می‌رساند تا زبان آموز با بهره جستن از گذشته زیستی خود و دانش و آگاهی فرهنگی خویش به واقعیت اجتماعی و فرهنگی زبان هدف راه یابد. در این نوع برنامه آموزشی تجربه زبان آموز به عنوان خواننده متن/بیننده فیلم و تحلیل‌گر هر دو مرکزیت دارد. این روش زبان آموز-محور است و می‌تواند در پاسخ به برخی نیازهای وی در رابطه با استفاده از توانش زبانی جهت راهیابی به فرهنگی متفاوت از فرهنگ مادری او ولی به هر حال فرهنگی از کل فرهنگ انسانی و جهانی راه پیدا کند و لذا او خود را بیش از پیش شهروند یک جامعه جهانی بداند. آنچه که در این تحقیق به اختصار و در اقتضای این فرصت ارائه گردید تنها یک کاربرد عملی از تئوری‌های بی‌شماری است که در سال‌های اخیر در باب استفاده از پیکره‌های آموزشی بومی جامعه زبانی مقصد در امر آموزش زبان مطرح شده‌اند. نتایج به دست آمده در سطح کلاس درسی مدنظر رضایت بخش هستند ولیکن این

نیاز احساس می‌گردد که می‌بایست در این زمینه به‌خصوص بانک اطلاعاتی مناسبی تعریف گردد تا آثار ادبی مشهور از دوران تاریخی مهم جوامع زبانی مختلف انگلیسی فرانسوی، روسی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیولی، ژاپنی و غیره به همراه فیلم‌های اقتباسی قابل دانلود و مانیتور شده از باب برش-های فرهنگی بومی جامعه مبداء جمع‌آوری شده و در دسترس دانشجویان، زبان‌آموزان در گروه سنی مختلف و مدرسین قرار گیرد. چنین طرحی به راحتی قابل اجرا و البته نیازمند همت بالای مدرسین گران‌قدر است.

۷ - منابع و مراجع:

اخلاقی، المیرا و حسن زاده، الهام (۱۳۹۶)، بررسی لزوم استفاده از آثار ادبی در آموزش زبان فارسی و معرفی روش‌های انطباق و اقتباس صحیح از آنها. مجموعه مقالات دومین همایش ملی آموزش زبان و ادبیات فارسی، ۲۱ تیر ۱۳۹۶، مشهد. ۴۹-۳۱.

رضانی واسوکلانی، احمد و رستم بیک تفرشی، اتوسا (۱۳۹۱)، نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۲ (۱)، ۱۵-۳۴.

صفا مقدم، احمد و رستم بیک تفرشی، اتوسا (۱۳۹۳)، آزوفا سینمایی: کاربرد فیلم سینمایی در آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیر فارسی زبانان. زبان شناخت، ۵ (۲)، ۷۹-۱۰۲.

عامری، سعید و قدرتی، مریم (۱۳۹۸)، نقش تماشای محصولات سینمایی خارجی در یادگیری زبان خارجی خارج از کلاس درس. مطالعات زبان و ترجمه دانشگاه مشهد، ۵۲ (۲)، ۱۲۷-۱۵۶.

عسگری، فاطمه (۱۳۹۸)، توانایی‌های متفاوت زبان‌آموزان در یک کلاس: مشکلات و راهبردها. پژوهش‌های زبان-شناختی در زبان‌های خارجی، ۹ (۴)، ۱۴۰۳-۱۴۲۵.

Serragiotto G. (2018). "Buone pratiche nell'italiano L2 e strumenti per documentarle" in C. Brescianini

Sguardi simmetrici. Ragazzi che arrivano da lontano nelle scuole dell'Emilia Romagna, Napoli: Tecnodid. pp. 191-197

Spaliviero, C., (2020). Educazione letteraria e educazione linguistica. *SAIL. Studi sull'apprendimento e l'insegnamento linguistico*, 15. Venezia: Edizioni Cà Foscari, 79-92

Spera, L., (2020). Educare al molteplice: La letteratura per l'insegnamento della lingua italiana agli stranieri. *Versants*, 67 (2), Siena: Università per Stranieri di Siena Ed., 25-33.

Tabucchi A. (2013). *Di tutto resta un poco. Letteratura e cinema*. Milano: Feltrinelli.

Tosi L. (2019). *Fare didattica in spazi flessibili*. Firenze: GiuntiScuola.

Triolo R. (2011). "Analisi stilistica delle clip alla ricerca del loro potenziale didattico", in C. Bargellini, S. Cantù, *Viaggi nelle storie*. Milano: Graphidea. pp.187-211.

Sitography:

Barengi, M., (2019). A cosa serve la letteratura?. *Doppiozero*.

www.doppiozero.com/materiali/cosa-serve-la-letteratura. (Visited on 23 april 2022).

کرمش، کلیر و معینی میبدی، مریم (۱۴۰۰)، بازنگری به مبحث زبان و فرهنگ در آموزش زبان انگلیسی. پژوهش های زبان‌شناختی در زبان های خارجی، ۱۱ (۱۲)، ۱۷۳-۱۵۳.

Asor Rosa, A., (2014). *Letteratura italiana. La storia, i classici, l'identità nazionale*. Roma: Carocci Editore.

Balboni, P.E. (2006). *Insegnare la letteratura italiana a stranieri*, Perugia: Guerra.

Balboni, P.E. (2014). *Didattica dell'italiano come lingua seconda e straniera*, Torino: Loescher/Bonacci.

Beccaria, G.L.,(2016). *L'italiano che resta. Le parole e le storie*, Torino: Einaudi.

Byram, M. (1997). *Teaching and Assessing Intercultural Communicative Competence*, Clevedon: Multilingual Matters.

Caon F., Spaliviero C. (2015). *Educazione letteraria, educazione linguistica, educazione interculturale: intersezioni*, Torino: Loescher/Bonacci.

Cinquegrani A. (2009). *Letteratura e cinema*, Brescia: La Scuola.

Dahmardeh, M. & Sung Do, K. (2020). Cultural Competence: Interculture, Transculture, and Metaculture. *EPISTEME*, 23, 155-179.

Dahmardeh, M. & Timcheh Memar, H. (2014). A bottom-up approach towards culture. *Learning, Culture and Social Interaction*, 3, 15-20.

Diadori P., Micheli P. (2010). *Cinema e didattica dell'italiano L2*. Perugia: Guerra.

Diadori, P.A., (2014). *La letteratura per la didattica dell'italiano a stranieri. Cinque percorsi operativi nel Novecento*, Pisa: Pacini Editore.

Gaudreault A. (2006). *Dal letterario al filmico*. Torino: Lindau.

Kramersch, C. (1998). *Language and culture*. Oxford: Oxford University Press.

Kramersch, C. (2013). Culture in foreign language teaching. *Iranian journal of language teaching research*, 1, (1), 57-58.

Lavinio C. (1999). *Teorie e didattica dei testi*. Firenze: La Nuova Italia.

Magnani, M., (2009). Il testo letterario e l'insegnamento delle lingue straniere. *Studi di Glottodidattica*, 1, Università di Urbino, 107-113.

Medi M. (2007). *Il cinema per educare all'interculturalità*. Verona: Emi.

Rondolino G., Tomasi D. (2006). *Manuale del film*. Torino: Utet.